



اندیشنامه اقتصاد مقاومتی (۲)

اقتصاد بدون نفت

امکان سنجی عبور اقتصاد ایران از خام فروشی نفت

عنوان و نام پدید آور : اقتصاد بدون نفت / نویسنده اندیشکده برهان.
 مشخصات نشر : تهران: دیدمان، ۱۳۹۶.
 مشخصات ظاهری : ۶۲ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۳۴-۲۵-۳
 وضعیت فهرست نویسی : فیپا
 یادداشت : کتابنامه.
 موضوع : نفت -- ایران -- صنعت و تجارت -- جنبه‌های اقتصادی
Petroleum industry and trade -- Economic aspects -- Iran
 موضوع : نفت -- ایران -- صنعت و تجارت -- سیاست دولت
Petroleum industry and trade -- Government policy -- Iran
 موضوع :
 شناسه افزوده : اندیشکده برهان
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۶ الف۹۲الف / HD۹۵۷۶
 رده بندی دیویی : ۳۳۸/۲۷۲۸۲۰۹۵۵
 شماره کتابشناسی ملی : ۵۰۳۵۷۸۷

اندیشکده
برهان



فَلَنْ هَانَا نَزَاهَا كَرَان كَفَر صَارَفِين
www.BORHAN.ir

انتشارات دیدمان

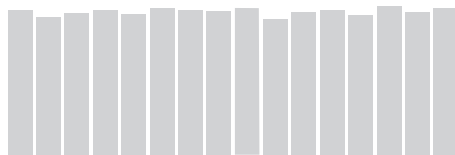
عنوان: اقتصاد بدون نفت
 نویسنده: اندیشکده برهان
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۳۴-۲۵-۳
 نشر: دیدمان
 تاریخ انتشار: ۱۳۹۶
 نوبت چاپ: اول
 شمارگان: ۱۰۰۰
 قیمت: ۱۳۰۰۰ تومان

www.DidemanBook.ir
www.BORHAN.ir
info@borhan.ir

تهران، چهارراه شهید لویسانی، خیابان بوستان،
 کوچه نسترن، پلاک ۳۲، واحد ۴

تلفن: ۰۲۱-۲۶۱۵۳۲۹۱
 پیامک: ۱۰۰۰۰۲۸۷

کلیه حقوق این اثر متعلق به «اندیشکده برهان» است و هرگونه نقل مطالب از آن صرفاً با ذکر منبع مجاز است.



فهرست

پیشگفتار	۷
مقدمه	۹
آیا ایران بدون نفت امکان پذیر است؟	۱۳
چرا کاهش قیمت خیلی هم برای اقتصاد ایران بد نیست؟	۴۶
۵ چالش اقتصاد ایران در شرایط سقوط قیمت نفت	۵۲
آیا کاهش قیمت نفت در شرایط کنونی به نفع اقتصاد ایران است؟	۵۸

رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (قدس سره)

«ما نه چاه‌های نفت را می‌بندیم و نه درهای مملکت را به‌روی خود می‌بندیم و نه کشور را به بازار مصرف هرچه که غرب می‌سازد و می‌خواهد به ما تحمیل کند تبدیل می‌کنیم. ما از نفت استفاده خواهیم کرد، ولی دلیلی ندارد که همیشه صادرکننده آن باشیم. ما چیزی را که نداریم و به آن نیاز داریم، از خارج می‌خریم، ولی چرا خود تولید‌کننده مایحتاج خود نباشیم؟ سیاست ما همیشه بر مبنای حفظ آزادی و استقلال و حفظ منافع مردم است که این اصل را هرگز فدای چیزی نمی‌کنیم.»

صحیفه امام، جلد ۴، صفحه ۳۶۴

رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

«اقتصاد ما دچار این اشکال است که وابسته‌ی به نفت است. ما باید اقتصاد خودمان را از نفت جدا کنیم؛ دولتهای ما در برنامه‌های اساسی خودشان این را بگنجانند. من هفده هجده سال قبل به دولتی که در آن زمان سر کار بود و به مسئولان گفتم کاری کنید که ما هر وقت اراده کردیم، بتوانیم در چاههای نفت را ببندیم. آقایان به قول خودشان "تکنوکرات" لبخند انکار زدند که مگر میشود؟! بله، میشود؛ باید دنبال کرد، باید اقدام کرد، باید برنامه‌ریزی کرد. وقتی برنامه‌ی اقتصادی یک کشور به یک نقطه‌ی خاص متصل و وابسته باشد، دشمنان روی آن نقطه‌ی خاص تمرکز پیدا میکنند.»

بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۲/۰۱/۰۱

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا

ای مردم! همانا برای شما از جانب پروردگارتان برهانی آمده است و ما نوری روشنگر (قرآن) به سوی شما فرستادیم (نساء: ۱۷۴).

سپاس خداوندی را که بشر را به برهان حقانیت وجود ذی جود آخرین فرستاده‌اش و نور روشنی بخش کلام‌الله مجید هدایت کرد و ملت شریف ایران را با هدیه‌ی آسمانی انقلاب اسلامی و حیات در ذیل نعمت ولایت در مسیر رشد و تعالی قرار داد.

انقلاب اسلامی، نعمت بی‌بدیلی بود که رهین ملت ایران شد تا مسیر تمدن سازی اسلامی و الگو شدن برای جهان بشریت را ببیماید و البته در این طریق راه ناپیموده هنوز زیاد است و نیازمند گام‌هایی استوار و خردورزانه هستیم. اندیشکده‌ی برهان که متشکل از جمعی از فرزندان انقلاب اسلامی است، کانونی است فعال در زمینه تبیین

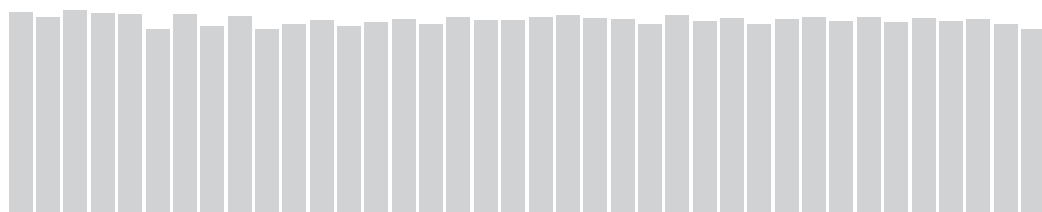
گفتمان تمدن‌ساز انقلاب اسلامی. تلاش این موسسه اندیشه‌محور بر این است که با تکیه بر سرمایه و استعداد معرفتی علمی نیروهای فرهیخته جریان انقلابی و ارزشی به تبیین گفتمان انقلاب کمک کرده، در مسیر تربیت نیروهای فکری تراز انقلاب اسلامی و یا به تعبیری «مؤمن اندیشه‌ورز جهادی» بکوشد.

این موسسه خود مسیر مطلوب خود را حرکت در چارچوب الگوی امام-امت می‌داند و بر این اساس، مبنای گفتمان‌سازی جهادگران فکری این اندیشکده بر پایه‌ی تبیین بیانات و دغدغه‌ها و مطالبات سیاسی-فرهنگی حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و تولید پژوهش‌های معرفتی و راهبردی معطوف به این مهم است. اندیشکده‌ی برهان بر آن است که در مسیر یک جهاد فکری و اعتقادی منسجم و متقن با پاسخگویی مستدل و منطقی به پرسش‌ها و مسئله‌های کنونی جامعه، گره‌گشایی از معضلات فکری و نظری و شبهه‌زدایی و تولید تحلیل و تأملات سالم و پالوده از کج‌اندیشی و انحراف، گام بردارد.

کتاب حاضر که به قلم جمعی از پژوهشگران محترم این اندیشکده است به «بررسی امکان‌سنجی عبور اقتصاد ایران از خام‌فروشی نفت» می‌پردازد. امید است این اثر، گامی کوچک اما مؤثر در تعمیق گفتمان تمدن‌ساز انقلاب اسلامی و مورد رضایت پرچمدار هدایت بشر، حضرت ولی‌عصر (عج) قرار گیرد.

محمد جواد اخوان

مدیر اندیشکده برهان



مقدمه

طی صد سال اخیر، بیش از هزار میلیارد دلار درآمد نفتی نصیب کشور گردیده، لکن به دلیل عدم استفاده‌ی صحیح از این ثروت ملی، موجبات بروز اختلال در اقتصاد ایران فراهم شده است؛ به طوری که علی‌رغم وجود ثروت عظیم حاصل از نفت، همچنان بیکاری و تورم موجود در جامعه از مشکلات اصلی دولتمردان است.

اکثر مشکلات ایجادشده از ناحیه‌ی نفت در اقتصاد ایران، به دو حوزه‌ی مدیریت درآمدهای حاصل از آن و خام‌فروشی نفت به جای فرآوری آن برمی‌گردد.

تا سال‌های انتهایی دهه‌ی هفتاد، مسئولین کشور تنها به خام‌فروشی نفت و تزریق درآمدهای آن به اقتصاد از طریق بودجه‌های سنواتی می‌پرداختند و تمهیداتی برای استفاده‌ی بهینه از درآمدهای نفتی جهت سرمایه‌گذاری (به جز بودجه‌ی عمرانی که بر تهیه‌ی زیرساخت‌ها تمرکز داشت) اتخاذ نکرده بودند؛ لکن در سال ۱۳۷۹ پس از کاهش قیمت نفت و به تبع آن درآمدهای نفتی، دولت وقت با عدم تحقق درآمدهای نفتی مواجه گردید. از این رو، برای جلوگیری از بروز چنین مشکلی، به فکر ذخیره‌سازی درآمدهای مازاد نفتی سال‌های رونق نفتی، جهت استفاده در سال‌های کمبود افتاد و حساب ذخیره‌ی ارزی را در قالب برنامه‌ی سوم توسعه افتتاح کرد و مازاد درآمدهای نفتی را بدان واریز نمود.

هدف از تأسیس حساب مذکور، مدیریت بهتر درآمدهای نفتی و ایجاد بستری مناسب برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی با استفاده از درآمدهای نفتی مازاد بود، لکن به دلیل متورم بودن بودجه‌ی سنواتی، دولت‌ها با برداشت از حساب ذخیره‌ی ارزی، دلارهای

نفتی را به ریال تبدیل نمودند و عملاً تزریق درآمدهای نفتی به اقتصاد ملی همچون گذشته ادامه یافت.

طی برنامه‌ی پنجم توسعه، این ضعف شناسایی شد و برای ترمیم آن، حساب ذخیره‌ی ارزی به صندوق توسعه‌ی ملی مبدل گشت که در اساسنامه‌ی آن، امکان دخل و تصرف دولت را به حداقل رساند؛ اما به دلیل افزایش بی‌سابقه‌ی قیمت نفت در دوره‌ی پس از افتتاح صندوق توسعه‌ی ملی و حجم بالای بودجه‌ی سنواتی، عملاً صندوق مذکور، تأثیر چندانی بر تزریق درآمدهای نفتی به اقتصاد ملی نداشته است.

در نتیجه چرخه‌ی صدساله‌ی تزریق درآمدهای نفتی در قالب بودجه‌ی سنواتی، افزایش نقدینگی از قبل تبدیل و تزریق دلارهای نفتی، افزایش تقاضا برای کالاها و خدمات، شروع افزایش قیمت‌ها (موج اول) در اثر فشار تقاضا، افزایش واردات کالاها برای پاسخ‌گویی به تقاضا و جلوگیری از افزایش قیمت‌ها، عدم توان رقابت تولید ملی و افول آن، کاهش عرضه‌ی محصولات داخلی، موج دوم افزایش قیمت‌ها (تورم) در اثر همراه شدن فشار عرضه با فشار تقاضا، متورم شدن بودجه‌ی سنواتی و تزریق درآمدهای نفتی در قالب بودجه‌ی سنواتی به وقوع پیوسته است.

چرخه‌ی باطل تزریق درآمدهای نفتی در قالب بودجه‌ی سنواتی به اقتصاد ملی

در بررسی چرخه فوق، اطلاعات سال‌های ۱۳۸۴ الی ۱۳۸۹ بررسی گردیده است که نتایج آن، صحت چرخه‌ی فوق را تأیید می‌نماید. شرح محاسبات و جداول مربوط به اثبات نتیجه‌گیری مذکور در پیوست یک آمده است.

دلیل انتخاب بازه‌ی زمانی فوق به چهار جهت بوده است: اولاً قریب به چهل درصد درآمدهای نفتی کشور طی صد سال اخیر در این بازه به دست آمده است که فرصت طلایی را برای شکوفایی تولید ملی فراهم آورده بود. ثانیاً ثبات نسبی بر بازار ارز حاکم بوده و تغییری در نظام ارزی کشور به وجود نیامده است. ثالثاً قبل از اعمال تحریم‌های نفتی است که در صورت ساقط شدن تحریم‌ها، بیشترین قرابت را با شرایط اقتصادی کشور خواهد داشت. رابعاً در آن تغییر دولت صورت نگرفته است که موجب تغییر رویه‌ها گردد.

مجموع درآمدهای نفتی در دوره‌ی مورد بررسی، ۴۰۴ هزار میلیارد تومان بوده که میزان ۳۰۵ هزار میلیارد تومان آن در قالب بودجه‌ی عمومی به اقتصاد ملی تزریق شده است. فرآیند تبدیل دلارهای نفتی به ریال جهت استفاده‌ی دولت، برعهده بانک مرکزی است. این امر موجب افزایش پایه‌ی پولی و همچنین ضریب فزاینده‌ی پولی می‌گردد؛ به گونه‌ای که حجم نقدینگی از ۹۲ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۸۴ به ۲۹۵ هزار میلیارد در سال ۱۳۸۹ رسیده که علت اصلی آن سیاست‌های انبساطی دولت است.

افزایش بودجه‌ی عمومی دولت و تزریق پول به جامعه، ایجاد قدرت خرید برای فعالان اقتصادی نموده و موجب افزایش تقاضا برای کالا و خدمات خواهد شد.

افزایش قیمت‌ها (موج اول) معطوف به فشار تقاضا برای کالاها و خدمات است که در برهه‌ای کوتاه به بازار وارد می‌گردد. برای اثبات این موضوع، تورم ماهیانه‌ی شش ماه اول سال‌های مذکور مورد بررسی قرار گرفته و چنین نتیجه‌ای به دست آمده است که تورم ماهانه (دوازده‌ماهه منتهی به هر ماه) در شش ماه اول هر سال (به جز در سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸ که تحت تأثیر انتخابات بوده است) همواره کمتر از تورم ماهانه‌ی شش ماه دوم سال بوده و دلیل آن پاسخ‌گویی به فشار تقاضا در شش‌ماهه‌ی نخست از طریق واردات است و فشار عرضه برای افزایش قیمت‌ها هنوز مشاهده نشده است.

سریع‌ترین راه برای جواب‌گویی به افزایش تقاضا برای کالا و در نتیجه قیمت، استفاده از واردات است، زیرا تولید فرآیندی زمان‌بر است. از این رو، دولت برای جلوگیری از روند افزایش قیمت‌ها، اقدام به افزایش واردات می‌نماید. میزان واردات از ۳۵ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۸۴ به بیش از دو برابر، یعنی ۷۵ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۸۹ رسیده است که مؤید چرخه‌ی مذکور است.

واردات همواره از جای ارزان‌تر به جای گران‌تر صورت می‌گیرد. بنابراین کشور پذیرنده‌ی کالا یا نمی‌تواند کالای وارداتی را تولید کند و یا با هزینه‌ی بیشتری تولید می‌کند که توان رقابت با کالای وارداتی را نخواهد داشت. در ایران به جهت اتخاذ سیاست کنترل قیمت از طریق واردات، اکثر کالاهای تولیدی در داخل از خارج وارد شده و به دلیل عدم توان رقابت تولیدات داخلی، باعث کاهش تولیدات داخل و در بلندمدت تعطیلی واحدهای تولیدی می‌گردد. روند

رشد اقتصادی در سال‌های اخیر، با وجود منابع مناسب (سرمایه و نیروی کار) جهت گسترش تولید ملی، نزولی بوده است؛ به طوری که از ۶/۹ درصد سال ۱۳۸۴ به ۰/۸ درصد در سال ۱۳۸۷ و ۳ درصد در سال ۱۳۸۸ رسیده است. متوسط نرخ رشد اقتصادی کشور به روایت بانک مرکزی، طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹، معادل ۴/۷ درصد بوده است که نسبت به هدف ۸ درصد رشد سالانه‌ی سند چشم‌انداز فاصله‌ی زیادی دارد.

هزینه‌های تولید به دو بخش هزینه‌های ثابت و متغیر تفکیک می‌گردد. در صورت کاهش میزان تولید، به دلیل ثابت بودن هزینه‌های ثابت، هزینه‌ی هر واحد تولیدی افزایش یافته و موجب افزایش هزینه‌های تولید می‌گردد. تولیدکننده برای ادامه‌ی تولید خود، مجبور به افزایش قیمت‌هاست که فشار عرضه برای افزایش تورم را به دنبال دارد.

موج دوم افزایش قیمت‌ها در اثر کاهش عرضه‌ی داخل و همراهی فشار عرضه با فشار تقاضا برای افزایش قیمت‌ها به وقوع می‌پیوندد که افزایش شدیدتر نرخ تورم در نیمه‌ی دوم سال‌های مورد بررسی را به همراه داشته است. یادآور می‌شود که نرخ رشد واردات با نرخ رشد تورم طی شش سال مورد نظر، رابطه‌ی مستقیم داشته است؛ یعنی هرگاه واردات رشد داشته، نرخ تورم نیز رشد نموده است و برعکس هرگاه واردات کنترل شده و کاهش یافته، نرخ تورم نیز کاهش یافته است.

با توجه به گستردگی دولت، تورم ایجادشده در جامعه خواه‌ناخواه خود را در بودجه‌های سنواتی نشان می‌دهد؛ به گونه‌ای که حجم بودجه‌ی سنواتی از ۱۵۹ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۸۴ به مبلغ ۳۶۸ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۸۹ رسیده است که نشان از متورم بودن بودجه‌ی سنواتی دارد، زیرا با وجود عدم رشد اقتصادی، افزایش بودجه‌ی کل نشان از عدم تخصیص منابع جهت گسترش تولید و صرف آن به عنوان مصارف عمومی دارد.

راه تأمین بودجه‌ی متورم دولت از درآمدهای نفتی می‌گذرد؛ به گونه‌ای که تعیین میزان درآمدهای نفتی دولت در بودجه‌ی سنواتی از مهم‌ترین بحث‌های مجلس شورای اسلامی برای تصویب لایحه‌ی بودجه است. در نتیجه، چرخه‌ی فوق مجدداً آغاز گردیده و مشکلات عمیق‌تر می‌گردد.

باید متذکر شد که چرخه‌ی فوق پس از اعمال تحریم‌های نفتی در نیمه‌ی دوم سال ۱۳۹۰ با

کندی مواجه شده، زیرا امکان تزریق درآمدهای نفتی به چرخه‌ی مذکور وجود نداشته است؛ اما به دلیل وابستگی بیش از حد اقتصاد ملی به درآمدهای نفتی، عملاً تولید ملی متوقف گردیده است؛ تا جایی که رشد اقتصادی سال ۱۳۹۱ را نزدیک به صفر و رشد اقتصادی سال جاری را منفی پیش‌بینی می‌کنند. مورد مذکور تصدیقی دیگر بر چرخه‌ی فوق است، ضمن اینکه فرصت مناسب ایجادشده از ناحیه‌ی تحریم نفتی می‌تواند نقطه‌ی عطفی در وارستگی از وابستگی به نفت باشد.

همان‌طور که در چرخه‌ی فوق مشاهده می‌گردد، عملاً افزایش درآمدهای نفتی به دلیل عدم مدیریت صحیح، به افزایش قیمت‌ها و متورم شدن بودجه‌ی سنواتی می‌انجامد که از مهم‌ترین عوامل عدم رونق تولید ملی به شمار می‌رود. لذا مشکل اصلی اقتصاد ایران ساختار نامناسب به‌کارگیری درآمدهای نفتی است. از این‌رو است که مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) طی سال‌های پس از جنگ، حداقل در ۲۷ مورد به اهمیت موضوع کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی اشاره داشته‌اند، لکن متأسفانه تاکنون به این توصیه‌ی مهم جامه‌ی عمل پوشیده نشده است.

کاهش سهم درآمدهای نفتی اولاً به معنی کاهش میزان آن در بودجه نیست، زیرا به دلیل متورم بودن بودجه، همواره مقدار درآمدهای نفتی موجود در بودجه در حال افزایش بوده است؛ به گونه‌ای که از ۳۷ هزار میلیارد دلار سال ۱۳۸۴ به ۸۶ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۲ افزایش یافته است. ثانیاً میزان قابل‌توجهی از کاهش سهم درآمدهای نفتی مرتبط با تغییر شیوه‌ی حسابرسی دولت است. به عبارت دیگر، سهم نفت از بودجه‌ی سالیانه‌ی دولت، منحصر به آنچه تحت عنوان «واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای» ثبت می‌شود نیست.

در حقیقت واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای تنها آن بخشی از پول نفت است که به صورت مستقیم در بودجه‌ی سنواتی کشور درج می‌شود، اما منابع دیگری هم هستند که علی‌رغم اینکه از راه فروش نفت حاصل شده‌اند، در قسمت‌های دیگری ثبت می‌گردند. به عنوان مثال، منابع حاصل از هدفمندی یارانه‌ها، سود سهام و مالیات عملکرد شرکت‌های مرتبط با نفت و سود سهام و مالیات عملکرد بانک مرکزی از این دست هستند که علی‌رغم ماهیت نفتی‌شان، در بخش‌های دیگری از بودجه ثبت شده‌اند.

دولت‌ها با توجه به ماهیت هزینه‌ای خود، همواره به درآمدهای نفتی به عنوان منبع درآمد نگریده‌اند، نه ثروت ملی. لکن بیشتر برای هزینه‌ی آن یا تقسیم درآمدهای حاصله بین مردم برنامه‌ریزی نموده‌اند تا به‌کارگیری درآمدهای مذکور جهت سرمایه‌گذاری و رونق تولید ملی. بنابراین در شرایط کنونی کشور، که امنیت اقتصادی متضمن امنیت ملی است، باید برنامه‌ریزی استراتژیک مناسبی برای تغییر ساختار حاکم بر اقتصاد ملی و درآمدهای نفتی کشور صورت بگیرد.

تزریق درآمدهای نفتی به اقتصاد موجب ایجاد دور تسلسلی از افزایش نقدینگی، تورم و واردات از یک سو و کاهش توان رقابتی تولید داخل و افول آن از سوی دیگر می‌شود. ضمن آنکه پیامد ضمنی ایجاد چنین چرخه‌ای، رواج فعالیت‌های واسطه‌گری و دلالی به جهت وابستگی بازار داخل به واردات و بالتبع نرخ ارز است. چنین چرخه‌ای جز به ایجاد فشار بر اقشار ضعیف جامعه و افزایش فقر نسبی منجر نخواهد شد.

در نتیجه، اصلاح روند کنونی جهت تحقق عدالت اقتصادی و پیشرفت در دهه‌ی پیش‌رو، ضروری است. از سوی دیگر، تحقق اهداف اسناد بالادستی نظام، نظیر سند چشم‌انداز بیست‌ساله، با ادامه‌ی روند کنونی عملاً میسر نخواهد بود که خود تأکید دوباره‌ای بر لزوم تغییر ساختار مبتنی بر درآمدهای نفتی اقتصاد ایران است.

تغییر ساختار اقتصاد بودن نفت به معنی عدم استفاده از درآمدهای نفتی نیست، بلکه اشاره به نوع استفاده از آن به عنوان منبع مناسبی برای سرمایه‌گذاری دارد. لذا راهکارهای اجرایی باید معطوف به ایجاد درآمدهای زاینده برای جایگزینی با درآمدهای نفتی باشد.

دو راهکار اساسی توسعه‌ی صنایع تبدیلی نفت جهت ممانعت از خام‌فروشی و تبدیل آن به مواد با ارزش افزوده‌ی بیشتر و رونق تولید ملی جهت ایجاد بستر مناسب برای درآمدهای پایدار، به‌ویژه مالیات بر ارزش افزوده، می‌تواند مقدمات تغییر ساختار اقتصاد ایران را فراهم آورد.

الف) توسعه‌ی صنایع تبدیلی پتروشیمی

محصولات پتروشیمی بیش از ۲۷ درصد صادرات غیرنفتی کشور را تشکیل داده است، لکن

میزان آن در مقایسه با منابع عظیم نفتی و گازی که در کشور برای توسعه‌ی صنایع پتروشیمی وجود دارد چندان مناسب نیست. حدود ۳ درصد بازار جهانی و ۲۴ درصد بازار خاورمیانه‌ی محصولات پتروشیمی در اختیار ایران است که با توسعه‌ی صنایع تبدیلی سهم کشور از بازار جهانی تا ۵ درصد نیز قابل افزایش است.

در فرآوری نفت و گاز، دو مرحله‌ی تولید خوراک پتروشیمی و سپس تولید محصولات نهایی پتروشیمی از خوراک‌های به‌دست‌آمده وجود دارد. در مرحله‌ی اول، یعنی تولید خوراک پتروشیمی، بیش از سه الی چهار برابر، ارزش افزوده در اقتصاد کشور ایجاد می‌گردد و در مرحله‌ی بعد با به‌کارگیری خوراک‌های مذکور جهت تولید محصول نهایی، امکان ایجاد ارزش افزوده تا ۱۰ برابر ارزش خام مواد نفتی و گازی وجود دارد.

توسعه‌ی صنایع تبدیلی پتروشیمی، علاوه بر آنکه موجب اشتغال‌زایی و افزایش درآمد ملی می‌شود، کشور را از واردات بسیاری از محصولات پتروشیمی بی‌نیاز می‌گرداند.

با توسعه‌ی صنعت پتروشیمی، سهم کشور از بازارهای جهانی افزایش یافته و موجب ایجاد امنیت سیاسی بیشتری برای کشور می‌گردد.

ب) رونق تولید ملی جهت احیای نظام مالیاتی

زمانی می‌توان از فعالین اقتصادی مالیات اخذ کرد که تولید رونق یافته باشد. در شرایط کنونی، ایجاد رونق در تولید ملی بیش از هر عامل دیگری به کنترل تورم بستگی دارد و کنترل تورم نیز همان‌طور که در فوق بدان اشاره گردید، بستگی زیادی به اصلاح ساختار مبتنی بر درآمدهای نفتی دارد و از طرف دیگر، اصلاح ساختار مذکور، به جایگزینی درآمدهای معقول، مانند اخذ مالیات به جای درآمدهای نفتی نیاز دارد.

بنابراین اتخاذ سیاست کلان اقتصادی مناسب جهت کاهش تزریق درآمدهای نفتی و هم‌زمان افزایش سهم مالیات در بودجه‌های سنواتی از اولویت‌های اقتصادی کشور بوده که نیازمند منضبط‌سازی دولت، اعتماد مردم به دولت و در نهایت، تغییر نگرش به درآمدهای نفتی به عنوان ثروت ملی، نه درآمد ملی است.

تأکید مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) بر وجوب سیاست کلان اقتصادی روشن و

برنامه‌ریزی شده در دولت آینده، به نوعی معطوف به همین بُعد بوده که دولت‌ها اتخاذ سیاست‌های مناسب مقدمات کوچک‌سازی فعالیت دولت و ارائه‌ی راهکارهای مناسبی جهت درآمدهای پایدار مبتنی بر تولید به جای درآمدهای حاصل از ثروت‌فروشی است.

نظر به اینکه اصلاح ساختار اقتصادی کشور نیازمند همت همه‌جانبه‌ی مسئولین و به‌ویژه مردم است، مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) عنوان حماسه‌ی اقتصادی را برای شعار سال جاری انتخاب فرمودند و دو راهکار اساسی برای تحقق امر مذکور، یعنی اصلاح مدیریت نفت و اتخاذ سیاست‌های کلان اقتصادی جهت اصلاح ساختار اقتصادی کشور، پیشنهاد نموده‌اند.

تا زمانی که نگاه مدیریت کلان کشور (به ویژه بخش دولتی) به درآمدهای نفتی به عنوان درآمدی برای مخارج روزمره باشد (نه ثروتی برای پیشرفت کشور)، اصلاح ساختار مبتنی بر درآمدهای نفتی و پیامدهای آن، یعنی تورم و رکود، میسر نبوده و در دهه‌ی عدالت و پیشرفت، توفیقی حاصل نخواهد شد.